

# A Study of the Soft Power Role of Sport Diplomacy in the Success of the Foreign Policy Objectives of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Bidgholi

Assistant Professor, Department of Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran,  
Iran.mohammad.bidgoli@yahoo.com

## Abstract

The purpose of the present research is to study the soft power role of sport diplomacy in the success of the foreign policy objectives in the Islamic Republic of Iran. The research relies on the hypothesis that sport diplomacy improves foreign policy strategies and objectives of the Islamic Republic of Iran. The research method is descriptive-analytic and the results indicate that constructive cooperation between executive organizations in the country and using the potential of international sport by them can improve the existing situation and as a result we would be optimistic to the betterment of Iran's sport diplomacy. Islamic Republic of Iran due to having the potential capacity of sport can form its athletic diplomacy and apply it as an efficient means to improve international decency, Islamic Republic of Iran's soft power, collaboration in regional peace and security, positive impact, attraction of public thoughts, removal of disputes, and international peace in the world. It is recommended that sport management takes place in a strategic field. It means that a 16 to 20-year-old plan and policy be compiled to be as a practical guide for the senior sport managers in the country. Therefore, personal taste and individualism would be avoided in the sport management and the country would be guided toward excellent purposes.

**Keywords:** Islamic Republic of Iran Sport Policy, International Relations, Foreign Policy, Sport Management.



## واکاوی نقش قدرت نرم دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محمد بیدگلی

استادیار، گروه حقوق، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

iran.mohammad.bidgoli@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی نقش قدرت نرم دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که تاثیر دیپلماسی ورزشی باعث ارتقاء راهبردها و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که با همکاری سازنده بین دستگاه‌های اجرایی ورزش کشور و در دستور کار قرار دادن و استفاده از ظرفیت ورزش بین‌الملل توسط این سازمان‌ها، می‌توان به بهبود شرایط موجود و در نتیجه ارتقاء دیپلماسی ورزشی ایران امیدوار بود. جمهوری اسلامی ایران به دلیل وجود ظرفیت بالقوه ورزشی می‌تواند با شکل دادن به دیپلماسی ورزشی خود، از ورزش به عنوان ابزاری کارآمد برای ارتقاء منزلت‌یابی بین‌المللی، ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مشارکت در صلح و امنیت منطقه‌ای، ارتقاء اثرگذاری مثبت، جذب افکار عمومی و رفع منازعات و آشتی بین‌المللی در سطح جهان بهره‌بردار. پیشنهاد می‌گردد که مدیریت ورزشی در بستر استراتژیک قرار گیرد؛ به این معنا که برنامه و سیاست‌گذاری شانزده تا بیست ساله‌ای تدوین گردد که راهنما و دستور عملی برای مدیران عالی ورزشی کشور باشد. در این صورت است که می‌توان از اِعمال سلیقه و فردگرایی در مدیریت ورزشی کشور پرهیز کرد و آن را به سوی اهداف متعالی مدنظر کشور، هدایت و راهبری نمود.

**کلیدواژه‌ها:** جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی ورزشی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، مدیریت ورزشی.

استاد به این مقاله: بیدگلی، محمد (۱۴۰۲). واکاوی نقش قدرت نرم دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۴)، ص ۷۳-۹۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

کشورها برای نیل به اهدافی چون افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت بین‌المللی خود از تمامی امکانات و ابزارهای ملی بهره می‌گیرند، تا به آنچه که تحت عنوان دیپلماسی بین‌المللی است، دست پیدا کنند. دلایل موفقیت تضمینی جمهوری اسلامی ایران در کاربرد دیپلماسی ورزشی<sup>۱</sup> در بین کشورهای منطقه، به عواملی همچون وجود فرهنگ و ارزش‌های مشترک، زبان فارسی، ادبیات و تاریخ فرهنگی یکسان به عنوان هویتی انکارناپذیر، آداب و رسوم مشابه، قرابت یا نزدیکی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و در کل، وجود ریشه‌های مشترک باز می‌گردد. دیپلماسی عمومی را، به تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفتگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور و هم‌تایان خارجی آنان تعریف می‌کنند. ابزارهای عمده در این دیپلماسی عبارتند از: انتشارات، فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مبادلات فرهنگی، تلویزیون، هنر و ورزش. ورزش به عنوان یک صنعت بزرگ با ظرفیت بالا، حوزه‌های گسترده‌ای مثل فرهنگ، اقتصاد و سیاست را در خود جای داده و همین امر موجب شده است تا توجهات بسیاری را به خود جلب نماید. مفهوم دیپلماسی ورزشی اولین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی به کار گرفته شد. دیپلماسی ورزشی می‌تواند زیرساخت‌های تنش‌زدایی در روابط کشورها را به وجود آورد. در عرصه قدرت نرم<sup>۲</sup>، ورزش یکی از مهم‌ترین کارکردها را ایفا می‌کند؛ به طوری که کشورها سعی دارند از طریق ورزش به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند. ورزش از یک طرف زمینه تخلیه هیجان‌ها، تنش‌ها و انرژی‌های نهفته را به وجود می‌آورد؛ از سوی دیگر می‌تواند در جامعه‌پذیری شهروندان تأثیرگذار باشد. دیپلماسی ورزشی دربرگیرنده نکات مثبت، منفی، سازنده و تنش‌زدا خواهد بود. نهادهای اجتماعی، ورزشی و راهبردی جمهوری اسلامی باید به این موضوع واقف باشند که اهداف آنان، پیوند درهم‌تنیده‌ای با ضرورت‌های راهبردی نظام سیاسی دارد. برجسته ساختن ابعاد مثبت ورزش در سطح بین‌المللی، همان ایجاد روابط دوستانه است و می‌توان با راهکارهای مناسب و اتخاذ سیاست‌های مناسب، باعث ایجاد شرایطی شد که ورزش، پاکی خود را حفظ و در حل کشمکش‌های بین‌المللی و ایجاد صلح، نقش مؤثری را ایفا کند. در عرصه جنگ نرم<sup>۳</sup>، ورزش یکی از مهم‌ترین کارکردها را ایفا می‌کند. با تمامی این توصیفات و علی‌رغم کارکردهای شگرف ورزش در ارتباطات

- 
1. Sports diplomacy
  2. Soft power
  3. Soft War

بین جوامع، همچنان در نهادهای سیاست‌گذاری کشور، این مقوله امری جدی تلقی نمی‌شود؛ در حالی که با توجه به حضور مؤثر تیم‌های ورزشی در رقابت‌های جهانی و المپیک در سنوات اخیر و همچنین با به‌دست آوردن کرسی‌های بین‌المللی ورزشی، نخبگان ورزش کشور می‌توانند باعث رشد و توسعه دیپلماسی ورزشی و در نتیجه تعامل با کشورهای دیگر و بهبود شرایط موجود گردند. به نظر می‌رسد باید یک مطالعه جامع و یکپارچه صورت پذیرد، تا با استخراج نتایج آن بتوان گام مثبتی در جهت ارتقاء دیپلماسی ورزشی و متعاقب آن، افزایش تعاملات بین‌المللی برداشت. با توجه به اهمیت بالای دیپلماسی ورزشی در شکل‌دهی به افکار عمومی و افزایش امنیت و قدرت کشور و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های بالایی برای استفاده از دیپلماسی ورزشی در راستای تأمین اهداف و منافع ملی خود برخوردار است؛ اما به نظر می‌رسد در بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها استفاده مطلوب به عمل نیامده است. حال پرسش این است که نقش قدرت نرم دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و هدف این پژوهش شناسایی نقش ورزش در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این مقاله با استفاده از روش اسنادی و با اتکاء به منابع مکتوب کتابخانه‌ای، انجام شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص دیپلماسی ورزشی از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی در خصوص تألیف کتاب وجود ندارد؛ و تنها معدودی مقاله، همه داشته‌های ما در این حوزه است؛ که در ادامه به بعضی از آنها که در پاره‌ای موارد به این پژوهش نزدیک‌تر بودند، اشاره می‌شود.

بخشی چناری و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی ابزارهای دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، با روش کیفی و کمی، نشان دادند که جمهوری اسلامی ایران، به دلیل وجود ظرفیت بالقوه در ورزش کشور می‌تواند، با شکل دادن به دیپلماسی ورزشی خود از حوزه به عنوان ابزاری کارآمد برای ارتقاء اهداف خود در سطح منطقه و جهان بهره‌بردار. جوادی‌پور و راسخ (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، با روش کیفی، نشان دادند که چالش‌ها و ضعف‌های مختلف مثل نبود خط‌مشی‌های روشن و شفاف، نداشتن آگاهی و دانش لازم در این زمینه، عدم شناخت ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی فرهنگی ورزشی را مشخص می‌کند.

بخشی چناری و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و

ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، با دوروش تحقیق کیفی و کمی از نوع توصیفی-تحلیلی، نشان دادند که عاری بودن دیپلماسی ورزشی از لحن خصمانه در کنار جذابیت بیشتر این نوع دیپلماسی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها، از دیدگاه نخبگان می‌تواند، یکی از مهم‌ترین نقش‌های دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

پلونده و رستمی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲» که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شد، به این نتیجه رسیدند که کشور قطر بعد از برگزاری جام جهانی توانست، از طریق دیپلماسی ورزشی، اعتبار بین‌المللی خود را ارتقاء دهد.

موسوی گرگری، بنار و شفیع (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل عوامل اثرگذار بر ارتقا دیپلماسی ورزشی ایران»، با روش کیفی و اسنادی، نشان دادند که ایران هنوز مسیر پرچالشی در پیش دارد و دستگاه‌های ذی‌نفع از یک نگاه جامع و استراتژیک، برای اجرای برنامه‌های راهبردی و توسعه دیپلماسی ورزشی فاصله دارند.

### ۳. مبانی نظری

از آنجایی که یکی از منابع قدرت نرم کشورها، ورزش و کارکردهای بین‌المللی آن است، این وضعیت موجب ظهور مفهوم دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیگر دیپلماسی شده است (موسوی گرگری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۰). قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که با جذب و اقتناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب می‌شود (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). مبحث سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دربرگیرنده موضوعات بسیار مهمی هم چون کوشش در حفظ منافع ملی و میهنی، دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفین جهان، برقراری روابط صلح‌آمیز و حسنه با ملل جهان، صدور انقلاب اسلامی، کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش و... است؛ که البته تمامی این موارد، نشان از اهمیت سیاست خارجی دارد. سیاست خارجی به معنی دنبال کردن هدف‌های کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جامعه‌ها، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. در این تعریف سیاست خارجی دولت‌ها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می‌شود یا به امور بین‌المللی؛ بدیهی است که اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به‌کار می‌رود. در خصوص سیاست خارجی تعریف‌های زیادی وجود دارد، اما بدون اینکه این تعریف‌ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند، تقریباً همه آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۸۳). سیاست خارجی یک کشور پس از تصمیم‌گیری به وسیله افراد یا نهادهای رسمی و با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مختلف به مرحله

اجرا گذاشته می‌شود. استفاده صحیح از این ابزارها در تحقق هدف‌های سیاست خارجی و در میزان موفقیت یک کشور نقش تعیین‌کننده دارد.

قدرت نرم توانایی جذب کردن، شکل دادن به ترجیحات دیگران، کسب مطلوب از طریق جاذبه، قدرت جذب، اقناع و شیفتگی دانسته می‌شود. بر این اساس، افزایش قدرت نرم یک کشور می‌تواند منجر به تمایل دیگران به برقراری ارتباط، توسعه روابط در عرصه‌های مختلف و پذیرش خواسته‌های آن کشور در سطح بین‌الملل شود. در بُعد اقتصادی نیز می‌توان قدرت نرم را عاملی مؤثر در توسعه روابط اقتصادی و ایجاد منافع مشترک دانست. به عقیده نای اگر رهبری ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن گروه، هزینه کم‌تری خواهد داشت (نای، ۱۳۸۹، ص ۲۳). شکل‌گیری قدرت نرم فراگردی بسیار کند و زمان‌بر است و ایجاد آن در کوتاه مدت ممکن نخواهد بود. به همین دلیل هنگام روی دادن بحران‌های بین‌المللی که منافع ملی کشور به خطر می‌افتد، زمان آزمون بزرگ میزان قدرت نرم آن کشور در صحنه میان‌کشوری فرا می‌رسد. با توجه به نظریه جوزف نای در ارزیابی مؤلفه‌های قدرت نرم (فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، و مشروعیت)، می‌توان گفت که عوامل زوال قدرت نرم، کاهش جذابیت‌های فرهنگی، شکل‌گیری تضاد بین ارزش‌های سیاسی با روح حاکم بر رفتار سیاست خارجی و زوال مشروعیت ارزش‌های سیاسی و فرهنگی کشور مورد نظر در صحنه بین‌المللی به ویژه از دید افکار عمومی و شخصیت‌های تأثیرگذار بین‌المللی است.

در واقع آمریکا، به استفاده از قدرت نرم خود در قالب فرهنگ، سیاست‌ها و ارزش‌ها در پی رسیدن به رهبری ایدئولوژیک جهانی پی برده است و سال‌هاست از آن بهره می‌برد (دهشیار، ۱۳۸۷، ص ۴۳۷). اما شواهد فراوانی دال بر فرسایش قدرت نرم آمریکا در نیم سده اخیر وجود دارد. ورزش به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم می‌تواند ابزار کارآمدی در تعیین روابط دیپلماتیک باشد. بسیاری از کارشناسان از این باور حمایت می‌کنند که دیپلماسی ورزشی، ابزاری آسان، ایمن و ملایم برای بهبود روابط بین‌المللی است. بنابراین، دیپلماسی ورزشی به خصوص تمرکز بر بعضی از ورزش‌های فردی و جمعی که جایگاه ویژه‌ای در میان ملل جهان دارد، می‌تواند به بازسازی تصویر یک کشور در چشم جهانیان و تقویت روابط کشورهای مختلف کمک کند. علاوه بر آن، ورزش با تکیه بر قابلیت‌های نرم‌افزاری خود، بر مؤلفه‌های محوری روابط بین‌الملل چون قدرت، منافع ملی، امنیت، صلح، دیپلماسی و قدرت نرم تأثیر می‌گذارد و ایفای نقش می‌کند.

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر به نقش دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورد استفاده قرار گرفته است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنج‌های غیرمزامح و غیرواکنشی به شمار می‌آید. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش‌های علمی یا بررسی‌هایی انجام می‌شود، که موضوع آن‌ها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است، یا پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها این مراجعه را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش نیز از نوع کاربردی خواهد بود.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. منزلت‌یابی بین‌المللی

در عرصه بین‌الملل کسب منزلت یکی از موضوعات مهم، بین بازیگران مختلف این عرصه و به‌ویژه دولت‌هاست. از این‌رو در بسیاری از کشورها ورزش به صورت مستقیم و آشکار به عنوان شکلی از تبلیغات سیاسی برای کسب منزلت و حمایت از رژیم سیاسی خاص، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ورزش هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی معمولاً به عنوان ابزاری برای کسب امتیازات سیاسی خاص (غالباً هم‌پیوند با سیاست خارجی) شناخته می‌شود و بسیاری از کشورها، رقابت‌های ورزشی بین‌المللی را میدانی برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی بین‌المللی خود می‌دانند. برخی از سیاستمداران از ورزش به عنوان منزلت‌یابی بین‌المللی بهره می‌گیرند و این منزلت‌یابی در روابط بین‌الملل از سنت واقع‌گرایی و دینامیک قدرت نرم، یافت می‌شود. در ارتباط با دلایل و علل روی آوردن سیاستمداران به ورزش جهت پیشبرد اهداف سیاسی، نظریه‌های بسیاری ارائه شده است، که عموماً بر مسئله حل و فصل اختلافات و تقویت صلح تأکید دارند (Nygard & Gates, 2013, p. 249). دیپلماسی ورزشی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر، یعنی دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار داد، که در دو دهه اخیر رواج بیش‌تری یافته است (Murray, 2012, p. 5). گسترش رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و ژئوپولیتیکی کشورها و قدرت‌های بزرگ به میدان بین‌المللی ورزش، به یکی از مشخصه‌های ورزش در دوران معاصر تبدیل شده است و دولت‌ها مکرراً از رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به مثابه میدانی برای اعتبار بخشیدن به سیستم‌ها و ایدئولوژی‌های خود و همچنین برای پی‌جویی اهداف سیاست خارجی استفاده کرده‌اند. دیپلماسی ورزشی از آنجایی که محل ورود و عملکردش یک موضوع غیرسیاسی و اجتماعی بسیار محبوبی است، فرصت‌های زیادی را در اختیار مجریان، برای برآورده کردن خواسته‌هایشان قرار می‌دهد. به دیپلماسی ورزشی در کشورهای گوناگون در میزان‌های مختلفی پرداخته می‌شود؛ برای

مثال می‌توان به اقدام چین در قبال آمریکا اشاره کرد، که به دیپلماسی پینگ پنگ مشهور شد. دیپلماسی پینگ پنگ یکی از نمونه‌های مشهور دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل است. داستان از این قرار است که پس از آنکه آمریکایی‌ها در باتلاق ویتنام گیر افتادند، خود را بسیار نیازمند به چین برای رهایی از این چالش می‌دیدند؛ با آنکه سطح تنش دو سویه میان آمریکا و چین بسیار وسیع و گسترده شده بود. همچنین از سوی دیگر مائو<sup>۱</sup> - رهبر جمهوری خلق چین - بنا به دلایلی از جمله ترس از شوروی سابق و امتیازگیری از مذاکرات با مسکو، خواهان برقراری ارتباط با آمریکا بود. پس از طی شدن مراحل گوناگونی از اقدامات و مذاکرات، در پایان مائو غلبه بر فضای داخلی چین بالاخص افراطیون و مخالفان داخلی، دست به ابتکاری زد که از آن تعبیر به دیپلماسی پینگ پنگ می‌شود.

آنچه از مجموعه چینی اتفاقاتی به دست می‌آید، آن است که امروزه تمامی کشورها دریافته‌اند که ورزش به طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده و یکی از عرصه‌های بسیار مهم در روابط بین‌الملل شده است. بنابراین، حکومت‌ها با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره‌برداری کنند (پلونده و رستمی، ۱۴۰۱، ص ۳۵۱).

دیپلماسی ورزش به عنوان ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز ارتقای روابط دولت‌ها و به تبع آن، افزایش تفاهم میان ملت‌ها و ایجاد صلح پایدار و ثبات بین‌المللی است. ورزش سمبل صلح و همزیستی، تحمل و یکدیگرپذیری، زمینه‌ساز و سازمان‌ده ارتباطات اقوام در سطح جهان، زیر چتر صلح‌پذیری و امنیت است. دیپلماسی ورزشی می‌تواند زیرساخت‌های تنش‌زدایی در روابط کشورها را به وجود آورد. هدف اصلی دیپلماسی ورزشی را می‌توان کاهش تهدیدات چندجانبه و تبدیل تهدیدات به فرصت‌های دیپلماتیک و راهبردی برای امنیت ملی کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران دانست. ضرورت‌های مدیریت بحران ایجاب می‌کند که ایران از سازوکارهای اجتماعی، ورزشی و بین‌المللی برای مدیریت تهدیدات استفاده کند. مقابله با تهدیدات در شرایطی امکان‌پذیر است که از سازوکارها و ابزارهای کنش علمی برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت و پرشدت استفاده شود. درک علمی نسبت به موضوعات ورزشی و اجتماعی از این جهت اهمیت دارد، که زیرساخت‌های کنترل بحران‌های نوظهور و تصاعدیابنده را در آینده فراهم می‌سازد.



بستر اصلی دیپلماسی ورزشی را نهادهای بین‌المللی همانند کمیته بین‌المللی المپیک و کنفدراسیون‌های ورزشی تشکیل می‌دهد.

## ۵-۲. ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

ورزش به عنوان یک مؤلفه مهم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بین‌المللی شناخته می‌شود و نقش در حال گسترشی در جوامع و در روابط میان کشورها ایفا کرده و به عاملی تأثیرگذار در جامعه و روابط بین‌الملل تبدیل شده است. ورزش را می‌توان به عنوان مفهومی چند وجهی با ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی به عنوان بُعدی تازه از سیاست خارجی که در گستره وسیعی از تعاملات میان دولت-ملت‌ها به تدریج نقش پررنگ‌تری ایفا می‌نماید، مورد توجه و بررسی قرار داد. دیپلماسی ورزشی بخش دیگری از معادله کنش فرهنگی، مدیریت ادراک اجتماعی و اثربخشی در حوزه سیاست محسوب می‌شود (نکولعل آزاد، ۱۳۹۹، ص ۲). ورزش از یک سو در تحکیم روابط میان کشورها نقش دارد و از سوی دیگر در نقش ابزاری جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر عمل می‌کند؛ تاحدی که امروزه محققان از ورزش به عنوان مؤلفه‌ای جدا نشدنی در تمام ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف یاد کنند. یکی از کارکردهای دیپلماتیک ورزش در عرصه بین‌الملل، کسب منزلت و پرستیژ برای کشورهاست. منزلت واژه‌ای است که در ادبیات مختلف داخلی و روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. از جمله زمینه‌های کسب منزلت بین‌المللی، موفقیت کشورها در صحنه رقابت‌های بزرگ ورزشی مانند جام جهانی فوتبال است. در واقع ورزش بخش اعظمی از زندگی امروزی را به خود اختصاص داده است و مخاطب جهانی دارد و چنانچه وضعیت، تصویر و پیام دیپلماتیک از طریق ارزش‌های ورزشی مثبت منتقل شود، ادراکات از سیاست خارجی می‌تواند به شکل معناداری تغییر و بهبود یابد. رویدادهای ورزشی، ورزشکاران و تیم‌ها می‌توانند وجهه‌ای برای یک ملت و ابزار مفیدی برای اعمال و نمایش قدرت نرم خودشان به جهانیان باشند؛ منوط به آنکه از این ابزار به صورت صحیح و به عنوان اهرمی در راستای بهبود روابط استفاده شود. در دنیای پیچیده و پرسرعت و مبتنی بر فناوری امروز، باید از هر فرصتی برای ارتقای تصویر مثبت یک کشور در خارج استفاده شود و سیاستمداران زمانی می‌توانند به وظایف خود به خوبی عمل کنند که به دانش نحوه استفاده از ابزار مختلف، از جمله دیپلماسی ورزشی مجهز باشند.

ضرورت‌های مدیریت بحران ایجاب می‌کند که ایران از سازوکارهای اجتماعی، ورزشی و بین‌المللی برای مدیریت تهدیدات استفاده کند. در این بین و برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت و پرشدت می‌بایست، نهادهای اجتماعی، ورزشی و راهبردی جمهوری اسلامی را به این موضوع واقف نمود که اهداف آنان، پیوند درهم‌تنیده‌ای با ضرورت‌های راهبردی نظام سیاسی دارد. تحقق چنین

اهدافی در شرایطی امکان‌پذیر است، که ورزش به‌مثابه حوزه اجتماعی امنیت و موضوعات راهبردی تلقی گردد و برای تحقق آن از تدبیر، بصیرت و عقلانیت راهبردی استفاده شود. علاوه بر آن، زمینه لازم برای مدیریت تهدیدات را به‌وجود آورد و زیرساخت‌های لازم برای تبدیل تهدید به فرصت، فراهم گردد. استفاده از ورزشکاران و رویدادهای ورزشی برای ارائه و ایجاد یک تصویر مطلوب بین مردم و سازمان‌های خارجی به منظور شکل دادن به ادراکات و تصورات آنها به شیوه مؤثر و همچنین، جهت پیشبرد اهداف سیاست‌های خارجی حکومت‌ها، امری جدی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، اجتماعات بزرگ ورزشی مثل المپیک و جام‌های جهانی می‌تواند، کشورها را در کنار یکدیگر جمع کند و منجر به شکل‌گیری روابط نزدیک و صمیمانه‌تر بین کشورها شود. اندیشمندان حوزه قدرت، ورزش را در شناسایی و برتری یک کشور در مقایسه با سایر کشورها آن هم از راه مسابقات، نشانه برتری و تأثیرگذاری در قدرت نرم می‌دانند. سیاستمداران نیز، به کسب افتخارات و میزبانی مسابقات جهانی و منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷). در هر صورت باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند (هادیان و واحدی، ۱۳۸۸، ص ۷). یکی از منابع قدرت نرم و ابزارهای سیاست خارجی، ورزش است. آنچه که امروزه در میادین بین‌المللی از آن به عنوان ورزش نام برده می‌شود، تنها تفریح و سرگرمی نیست؛ بلکه عملکردی فراتر در جهت ایجاد روابط بین کشورها و به دور از هرگونه مناقشه و گزینه‌های نظامی است و کلیه کشورها تلاش بر آن دارند، که با استفاده از کلیه ابزارهای کلیدی در ارتباط با ملل دیگر باشند و بهره‌گیری از قدرت سخت و ارتش ملی، جای خود را به استفاده از قدرت نرم مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بدهد. سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان ورزشی از سوی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ضمن برخورداری از اهمیت بالا، می‌تواند در زمره موضوعات مهم کشورها قرار گیرد، تا دولت‌ها در چارچوب دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از قدرت نرم، تحرکات بین‌المللی ورزشی خود را به طور هدفمند به انجام رسانند.

### ۳-۵. مشارکت در صلح و امنیت منطقه‌ای

ورزش در عمل یکی از ابزارهای قدرت و یکی از عرصه‌های قدرت‌افکنی و رقابت میان بازیگران بین‌المللی است. بنابراین، فهم کارکردهای ورزش و رقابت‌های ورزشی در عرصه بین‌المللی، یکی از مهارت‌ها و بینش‌های راهبردی مورد نیاز، برای کارگزاران و بازیگران مؤثر در کشورداری است. تعاریف مختلفی از دیپلماسی ورزشی در متون مختلف به ویژه در دهه گذشته آمده است؛ از جنگ بدون شلیک (Jackson, 2013, p.274) تا ابزار توسعه پایدار (شریعتی فیض آبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲). عبارت‌هایی است که در توصیف دیپلماسی ورزشی استفاده شده است؛ که همه آنها به دنبال فهم بهتر

تعاملات عرصه بین‌الملل، دوستی‌ها و کمک به از بین بردن کلیشه‌ها و تعصب بودند. ورزش ابزاری «کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا» برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (Pigman & Rofe, 2014, p. 1095). در تعریفی جامع، دیپلماسی ورزشی را می‌توان بخش پررنگ‌تر دیپلماسی عمومی نامید، که در آن از تمامی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش یک کشور، از قبیل تجهیزات و فضاهای ورزشی، ورزشکاران، مربیان و مدیران ورزشی استفاده می‌شود، تا قدرت نرم آن کشور در عرصه بین‌الملل تقویت گردد (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۷۷). باید گفت ورزش، در بسیاری از کشورها، مدت‌ها است که از ابزارهای ارتباطی و فراگیر برای ارتباط با جامعه و دیگر کشورها بوده است و این مهم هر روز پررنگ‌تر نیز می‌شود. دیپلماسی ورزشی پیشرفت جدیدی در روابط بین‌الملل نیست؛ بلکه آنچه دیپلماسی ورزشی را برای گسترش نفوذ سیاسی دولت‌ها به لحاظ منطقه‌ای و فراتر از آن متناسب می‌کند، ویژگی خاص ورزش به عنوان یک فعالیت جذاب جهانی است. از مزایای منحصربه‌فرد دیپلماسی ورزشی این است که با وجود صرف هزینه کم، نتایج نسبتاً بالایی دربردارد (Mare & Tatjana, 2015, p. 90). در پژوهش‌های بسیاری قدرت دیپلماسی ورزش را هم ردیف قدرت نرم دیده‌اند. ورزش همان‌طور که در پژوهش‌ها و تجربیات نشان می‌دهد، نیاز امروز دیپلماسی و استفاده از قدرت نرم برای تأثیرگذاری در دنیا است. عرصه دیپلماسی ورزشی، عرصه کاملاً تخصصی و استراتژیک است و با سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان در جهان امروز روابط دیپلماتیک بین‌المللی را مقتدرانه‌تر دنبال نمود. کشورهای مختلف در سطح جهان آن قدر دیپلماسی ورزشی را پراهمیت می‌دانند، که سالیانه بودجه کلانی را به این مهم اختصاص می‌دهند. از این میان می‌توان از تجربه کشورهایی چون آلمان، برزیل، چین، هند و... نام برد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ نگاه به دیپلماسی ورزشی، که به طور مثال، منجر به میزبانی بین‌المللی ورزشی گردد، غیر از مباحث سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک، بحث ارائه و تبادل خرده فرهنگ‌ها بین ملل مختلف را مطرح می‌کند.

#### ۵-۴. ارتقاء اثرگذاری مثبت

رسالت بنیادین دیپلماسی، مدیریت روابط میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی است. در واقع دیپلماسی عمومی، فرایند ارتباط مردم یک کشور با عامه مردم کشورهای دیگر برای شناساندن ایده‌ها و آرمان‌های ملی خود به سایر مردم دنیا، یا شناخت ایده‌ها و آرمان‌های ملی آنها، معرفی نهادها، فرهنگ‌ها، هنجارها و تبیین اهداف سیاست‌های خود است. به دلیل جنبه‌های سیاسی و فرهنگی، ورزش به شکلی گسترده به رسمیت شناخته شده است و امروزه ورزش بین‌الملل جزء جدایی‌ناپذیر پویای روابط میان ملت‌هاست (سبزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱). کسب، حفظ،

ارتقاء و اعتبار بین‌المللی از جمله مؤلفه‌های اصلی منافع ملی کشورها قلمداد می‌شود. در واقع می‌توان گفت که دولت‌ها از طرق مختلف تلاش می‌کنند که در جامعه بین‌المللی، جایگاه و منزلت بالایی داشته باشند و به آنها به عنوان کشورهای قابل احترام نگریسته شود (زرگر، ۱۳۹۴، ص ۹). از طرفی بسیاری از کارشناسان، ورزش و رویدادهای ورزشی را به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی می‌دانند و از آن به عنوان یک دیپلماسی نوین با نام دیپلماسی ورزشی یاد می‌کنند (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶). امروزه رویدادهای ورزشی بین‌المللی جذابی وجود دارد، که دولت‌ها به دلایل مختلفی، سعی برای آمیخته کردن ورزش با سیاست و دیپلماسی دارند. از جمله این دلایل می‌توان به تغییر ایجاد شده در فضای دیپلماتیک و رویگردانی آنها از مباحث منسوخ شده دوران جنگ سرد، گسترش ورزش و نهادهای ورزشی از نظر قلمرو، قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی، انزجار مردم جهان از خشونت‌های قرن بیستم و تمایل به جنبه‌های قدرت نرم، همچون مبادلات فرهنگی و ورزشی و تبدیل شدن ورزش به بخش مهم زندگی مدرن، اشاره کرد (صباغیان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴).

#### ۵-۵. جذب افکار عمومی

دیپلماسی ورزشی می‌تواند هویت و سازوکارهای جدیدی را در سیاست، فرهنگ و جامعه هر کشوری به وجود آورد. رابطه متقابل بین ورزش، سیاست، فرهنگ و جامعه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای عقلانیت اجتماعی، ثبات سیاسی و کنترل فضای عمومی را به وجود آورد. نگرش حوزه سیاست به ورزش براساس رهیافت کارکردگرایی انجام می‌گیرد. ورزش از یک طرف زمینه تخلیه هیجان‌ها، تنش‌ها و انرژی‌های نهفته را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر می‌تواند ثبات اجتماعی و تعادل سیاسی با کشورهای دیگر را فراهم سازد. ارتباطات جهانی براساس نمادها و نشانه‌های بنیادین در کنش ارتباطی متقابل معنا می‌یابد. صنعت ورزش در فضای ارتباطات جهانی، موضوعات مربوط به فدراسیون‌های ورزشی را در قالب مؤلفه‌های حرفه‌ای، فراهویتی، فراساختاری و تغییر یابنده تفسیر می‌کند؛ زیرا رویدادهای ورزشی می‌تواند، بهانه‌های بزرگی برای جلسات غیررسمی رهبران باشد و مسابقات بزرگ ورزشی می‌تواند، دیپلماسی گسترده‌ای را فراهم کند که در آن بسیاری از رهبران سیاسی بتوانند با یکدیگر دیدار نمایند (تهدیبی، ۱۴۰۰، ص ۳۵).

ورزش نقش مهمی در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم کشورهای مختلف دارد؛ زیرا ورزش یک علاقه مشترک اجتماعی است که مردم را در سراسر جهان، از هر نژاد و مذهب در رقابت‌های ورزشی شرکت می‌دهد و یک منبع قوی از غرور ملی و همبستگی را به وجود می‌آورد. علاوه بر موارد فوق، ورزش در عصر جدید در کنار تأثیرات جسمی و فیزیکی، به صنعتی تبدیل شده

است که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نقش کم‌نظیری دارد. در شرایطی که ممکن است دیپلماسی رسمی به هیچ‌عنوان راهگشا و امکان‌پذیر نباشد؛ دیپلماسی ورزشی می‌تواند با بهره‌گیری از راهکارهایی - که کاملاً با راهکارهای سیاسی متفاوت است - به نتایجی دست یابد که ممکن بود، با دیپلماسی رسمی، سال‌های سال، این مسیر طی نشود (مختاری و کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۹، ص ۲۷۱). این نوع از دیپلماسی به دلیل ظرفیت بالا، هزینه نسبتاً کم و بهره‌وری بالا، می‌تواند کارکرد و نتایج مثبتی را برای کشور داشته باشد؛ امری که متأسفانه تاکنون سیاست‌مداران ما یا نتوانستند از آن بهره بگیرند، یا آن را خیلی جدی نگرفته‌اند. رشد بازیگران غیردولتی در فضای روابط بین‌الملل و معرفی سفیران هنری، علمی و ورزشی در این صحنه، سبب شده است، تا تصمیم‌گیران سیاسی تلاش نمایند، با استفاده از توان ورزشی ایران به عنوان مسیری پرفایده و کم هزینه، قدرت نرم این کشور را در جهان افزایش دهند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶). دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از ابزارهایی که توان مشروع‌سازی اهداف ملت‌ها را دارا است (صباغیان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸)، می‌تواند هزینه کم‌تری را جهت نیل به اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. لذا با مطالعه چگونگی استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک در سایر کشورهای پیشرفته، می‌توان ضمن ادبیات‌سازی پیرامون دیپلماسی ورزشی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، تصمیم‌گیران سیاسی ایران را به استفاده بهینه از این ابزار ترغیب نمود. عدم توجه به مقوله مهم دیپلماسی ورزشی می‌تواند، به کاهش و تضعیف منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منجر شود و از این طریق بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه کشور را غیرفعال نگه دارد؛ که این امر، آسیبی بزرگ برای تأمین منافع ملی به شمار می‌آید. لذا پژوهش حاضر به دلیل طرح و تبیین ظرفیت‌های راهبردی دیپلماسی ورزشی، برای سیاست‌مداران اهمیت کاربردی دارد.

گسترش ایدئولوژی به واسطه تأثیر بر افکار عمومی، جهت‌دهی و ایجاد مقبولیت در افکار عمومی جهانی با کشورهای رقیب، از دیرباز مورد توجه سیاست‌مداران بوده است. در این بین، از ورزش به عنوان ابزاری مؤثر و سلاحی کارآمد برای دستیابی به این هدف، در دوران جنگ سرد برای مقابله غیرنظامی بین بلوک شرق و غرب به‌کار گرفته شد (شاه رضایی و شیرزادی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳).

#### ۵-۶. رفع منازعات و آنتنی بین‌المللی

کشورها برای نیل به اهدافی چون افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت بین‌المللی خود، از تمامی امکانات و ابزارهای ملی بهره می‌گیرند. در گذشته ماهیت نظام بین‌الملل ایجاب می‌کرد، کشورها برای دستیابی به منافع ملی و اهداف سیاسی به ابزارهایی نظیر نیروی نظامی، ارتش، ریزنی‌ها

و ایجاد اتحادیه و ائتلاف‌های بین‌المللی متوسل شوند. با تحول ماهیت نظام بین‌الملل، ابزارهای مورد استفاده دولت‌ها نیز متحول شد. بهره‌گیری از قدرت سخت و ارتش ملی، جای خود را به استفاده از قدرت نرم مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی داد. دیپلمات‌ها می‌توانند با اجرای یک دیپلماسی کارآمد و هدفمند، ضمن بهره‌گیری از کارکردهای فرهنگی آن در فضای بین‌المللی، به کمک نهادها و سازمان‌های ورزشی بشتابند و از فضای مناسب آن برای فعالیت‌های منتهی به تأمین منافع و امنیت ملی بهره‌ها جویند. دولت‌ها از دیپلماسی ورزشی، هم برای فشار بر یکدیگر استفاده می‌کنند و هم از آن برای بهبود و تقویت روابط خویش بهره می‌گیرند. امروزه برخی ورزش‌های حرفه‌ای چنان با سیاست پیوند خورده‌اند، که نمی‌توان از تأثیرات آن در سیاست داخلی و روابط بین دولت‌ها غافل بود. پرداختن به ورزش مورد علاقه بین ملت‌ها از جمله ابزارهایی است که می‌تواند زمینه‌های حفظ و گسترش تعاملات دو کشور را فراهم کند.

دیپلماسی ورزشی از آنجایی که محل ورود و عملکردش یک موضوع غیرسیاسی و اجتماعی بسیار محبوب است، فرصت‌های زیادی را در اختیار مجریان برای برآورده کردن خواسته‌هایشان قرار می‌دهد. به دیپلماسی ورزشی در کشورهای گوناگون به میزان‌های مختلفی پرداخته می‌شود. ارتقاء موقعیت ایران نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای همکاری جویانه و مدیریت تهدیدات است. اگرچه مرزهای هویت، عامل جدایی گروه‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و نژادی است؛ اما مدیریت هویت به معنای بهره‌گیری از سازوکارهای یکپارچه‌ساز دیپلماسی ورزشی است؛ که باعث ارتباط با کشورهای دوست و همسایه می‌گردد.

## ۶. نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، اهمیت ورزش در زندگی اجتماعی افراد بیش از پیش هویدا و نمایان شده و آثار آن در روابط و تعاملات بین فرهنگی کشورها بیش از گذشته افزایش یافته است؛ به حدی که واقعیت ارتباط ورزش با روابط بین‌الملل، غیرقابل انکار شده است. فهم کارکردهای ورزش و رقابت‌های ورزشی در عرصه بین‌المللی یکی از مهارت‌ها و بینش‌های راهبردی مورد نیاز برای کارگزاران و بازیگران مؤثر در کشورداری است. می‌توان گفت دولت‌مردان در بحث دیپلماسی ورزشی، هم از آن برای فشار آوردن به دیگر کشورها استفاده می‌کنند و هم برای بهبود روابط و تقویت دوستی‌ها، حل مشکلات و مسائل سیاسی و نهایتاً دستیابی به صلح بهره می‌برند. دیپلماسی ورزشی می‌تواند، زمینه لازم برای کنترل تهدیدات نوظهور و بهانه‌های سیاسی نهادها، بازیگران و کارگزاران بین‌المللی را در لباس دیپلماسی ورزشی فراهم سازد. تحقق چنین اهدافی در شرایطی امکان‌پذیر است، که ورزش به مثابه حوزه اجتماعی امنیت و موضوعات راهبردی تلقی گردد و برای تحقق آن از تدبیر، بصیرت و

عقلانیت راهبردی استفاده شود. بهره‌گیری از سازوکارهای علمی و رویکرد تحلیلی پژوهشگران ایرانی، معطوف به این نکته خواهد بود که هرگونه سازوکار مقابله با تهدیدات، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی است که اولاً، منجر به شناخت تهدید شود؛ ثانیاً، زمینه لازم برای مدیریت تهدیدات را به وجود آورد و ثالثاً، زیرساخت‌های لازم برای تبدیل تهدید به فرصت را فراهم سازد.

قواعد ورزشی عموماً ماهیت عام و فراگیر دارند. چنین قواعدی می‌توانند زیرساخت‌های لازم برای ترمیم روابط بازیگران، تنش‌زدایی و بهره‌گیری از سازوکارهای عمومی در جهت مقابله با تهدیدات از طریق سازوکارهای نرم‌افزاری و مسالمت‌آمیز را فراهم آورند. یکی از دلایل اصلی افزایش فشارهای مربوط به کنفدراسیون‌های ورزشی علیه ایران را می‌توان ناشی از محدود بودن حوزه دیپلماسی ورزشی دانست. دیپلماسی ورزشی به عنوان یک پدیده جدید، مسیری در ورزش باز کرده است، که هدفش افزایش گفتگو برای باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک بیشتر فرهنگی بین مردم جهان است. سیاست‌گذاری ورزشی بایستی از طریق سازوکارهای دیپلماسی ورزشی به ارتقای رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی کشورها منجر گردد. همچنین به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر عامل ارتقادهنده الگوها و فرایندهایی باشد که زمینه لازم برای سازوکارهای ارتباطی را فراهم کند. ارتقای دیپلماسی ورزش برای رفع تهدیدها و ایجاد فرصت، نیازمند تحول در رویکرد و نگرش کلان حاکمیتی و دولتی به ورزش است. به نظر می‌رسد فقدان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی، عدم هماهنگی بین سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با ورزش، ناکافی بودن منابع مادی و انسانی در حوزه‌های مختلف ورزشی و انجام دادن کارهای موازی، از مهم‌ترین دلایل نارسایی‌های ورزش کشور باشد. ورزش با تکیه بر قابلیت‌های نرم‌افزاری خود، در مؤلفه‌های محوری روابط بین‌الملل چون قدرت، منافع ملی، امنیت، صلح، دیپلماسی و قدرت نرم تأثیر می‌گذارد و ایفای نقش می‌کند.

با اینکه در نهایت تصمیم‌گیری در مورد از سرگیری، ادامه یا قطع روابط دیپلماتیک بین کشورها برعهده سران کشورهاست و نباید سهم آرمانی و دور از واقعیت را برای دیپلماسی ورزشی در نظر گرفت؛ ولی در طول تاریخ و به دفعات، دیپلماسی ورزشی نقش قابل توجه و تأثیرگذار خود را در روابط بین جوامع ثابت کرده است. از این‌رو، با همکاری سازنده بین دستگاه‌های اجرایی ورزش کشور و در دستور کار قرار دادن و استفاده از ظرفیت ورزش بین‌الملل توسط این سازمان‌ها، می‌توان به بهبود شرایط موجود و در نتیجه ارتقاء دیپلماسی ورزشی ایران امیدوار بود. نتایج حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل وجود ظرفیت بالقوه ورزشی می‌تواند، با شکل دادن به دیپلماسی ورزشی خود از ورزش به عنوان ابزاری کارآمد برای ارتقاء منزلت‌یابی بین‌المللی، ارتقاء قدرت نرم

جمهوری اسلامی ایران، مشارکت در صلح و امنیت منطقه‌ای، ارتقاء اثرگذاری مثبت، جذب افکار عمومی و رفع منازعات و آشتی بین‌المللی در سطح جهان بهره‌بردار. پیشنهاد می‌گردد، که مدیریت ورزشی در بستر استراتژیک قرار گیرد؛ به این معنا که برنامه و سیاست‌گذاری شانزده تا بیست ساله‌ای تدوین گردد که راهنما و دستور عملی برای مدیران عالی ورزشی کشور باشد. در این صورت است که می‌توان از اعمال سلیقه و فردگرایی در مدیریت ورزشی کشور پرهیز کرد و آن را به سوی اهداف متعالی مدنظر کشور، هدایت و راهبری نمود.



## منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۵). فرهنگ سیاسی. تهران: نشر مروارید.
- بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۸). ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی*، ۷(۲۶)، ص ۳۶-۲۱.
- بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید (۱۴۰۲). شناسایی ابزارهای دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، ۷(۱۹)، ص ۳۱-۱.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پلونده، حسین؛ رستمی، فرزاد (۱۴۰۱). سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲. *سازمان‌های بین‌المللی*، ۵(۱۵)، ص ۳۶۹-۳۴۶.
- تهذیبی، خادم علی (۱۴۰۰). بررسی نقش و تاثیر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل. *پژوهش ملل*، شماره ۶۹، ص ۴۶-۲۵.
- جوادی‌پور، محمد؛ راسخ، نازنین (۱۳۹۶). نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت ورزشی*، ۱۱(۲)، ص ۲۳۴-۲۱۹.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۷). جهانی شدن: تک‌هنگاری طلبی ایالات متحده آمریکا. *سیاست خارجی*، ۴(۲)، ص ۴۳۷.
- زرگر، افشین (۱۳۹۴). ورزش و روابط بین‌الملل، جنبه‌های مفهومی و تئوریک. *علوم سیاسی*، ۱۱(۳۱)، ص ۴۸-۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)*. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی.
- سبزی، زهره؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ صابونچی، رضا (۱۳۹۸). دیپلماسی ورزش در توسعه روابط با کشورهای غربی. *پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، ۱۳(۳)، ص ۲۷-۹.
- شاه‌رضایی، فاطمه؛ شیرزادی، رضا (۱۳۹۷). ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۵(۳)، ص ۱۱۷-۱۵۲.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزشی در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب. *دانش سیاسی*، ۱۵(۱)، ص ۱۴۸-۱۲۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا. *دانش سیاسی*، ۱۱(۲)، ص ۱۲۷-۹۵.
- صباغیان، علی (۱۳۹۴). *دیپلماسی ورزشی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۶(۳۱)، ص ۱۵۵-۱۳۵.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم*. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- مختاری، سودابه؛ کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۳۹۹). نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا؛ مطالعه موردی دیپلماسی ورزشی (۲۰۱۹-۱۹۹۸). *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۰(۳۹)، ص ۲۹۰-۲۶۹.
- موسوی گرگری، سیده شیماء؛ بنار، نوشین؛ شفیع، شهرام (۱۴۰۱). طراحی مدل عوامل اثرگذار بر ارتقاء دیپلماسی ورزشی ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۴(۷۶)، ص ۱۰۴-۷۵.

نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

نکولعل آزاد، فاطمه (۱۳۹۹/۱۰/۲۴). دیپلماسی ورزشی؛ ضرورت‌ها، اهداف و پیامدها. دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در: [yun.ir/cz8j33](http://yun.ir/cz8j33)

هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. روابط خارجی، شماره ۳، ص ۱۱۷-۸۶.  
Jackson, S.J. (2013). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, 16(3).

Mare, U. & Tatjana, P. (2015). *Sports diplomacy: development and practice*. Research in Kinesiology.

Murray, S. (2012). *Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves*, 9(1), p.21-39

Nygaard, H.M. & Gates, S. (2013). Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building. *International Area Studies Review*, 16(3).

Pigman, G.A. & Rofe, J.S. (2014). *Sport and Diplomacy: An Introduction*. Sport in Society, 17(9).